

بسم الله الرحمن الرحيم

الهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

موضوع: منزلت و مسئولیت روحانیت معاصر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : لَا أُحَدِّثُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَ لَا شُهَدَاءَ يَغِيظُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَنْبِيَاءُ وَ الشُّهَدَاءُ بِمَنَازِلِهِمْ مِنْ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ قِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هُمُ الَّذِينَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ - وَ يُحِبُّونَ اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ قُلْنَا هَذَا حَبَّبُوا اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ فَكَيْفَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ قَالَ يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُ اللَّهُ - فَإِذَا أَطَاعُوهُمْ أَحَبَّهُمُ اللَّهُ.

رسول خدا فرمود: آیا آگاه کنم شما را از گروهی که نه از انبیا هستند و نه از شهدا، ولی انبیا و شهدا در روز قیامت به مقام و منزلت آنان غبطه می‌خورند، و آنها بر منبرهایی از نور نشسته‌اند؟ سؤال شد: ای رسول خدا!! آنان کیانند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که بندگان خدا را نزد خدا محبوب می‌کنند و خدا را نزد بندگانش محبوب می‌گردانند، عرض کردیم: ایجاد محبت خدا در دلها معلوم است، ولی چگونه بندگان را نزد خدا محبوب می‌گردانند؟ فرمود: آنها را فرمان می‌دهد به آنچه خدا دوست می‌دارد، و باز می‌دارد آنان را از آنچه خدا دوست نمی‌دارد، و هرگاه آنها را اطاعت کردند خداوند دوستشان دارد.

خدا را شاکرم که در جمع شما فرهیختگان توانستم حضور پیدا کنم

خدا را شاکریم که فرصتی داده تا برخی مطالب عرض شود.

مناسبت ایام متعدد است مصادف است با ایام غمبار و عبرت آموز فاطمیه که خیلی جای بحث و گفتگو دارد و ماه آذر هست و مناسبت های هفته وحدت و حوزه و دانشگاه و هفته پژوهش و ... و اصلا حضور در جمع شما به عنوان اساتید و طلاب مایه خرسندی است.

از خدا بخواهید که هر چه صلاح است بر زبانمان جاری شود.

اگر الله العلما باشی یا اگر خاقان بن خاقان باشی آخرش همان عبدک وابن عبدک یا امتک و ابن عبدک یا امتک هست. با ورمایه بیا که ما هیچ بن هستیم .

زندگی بزرگان بسیار می‌تواند آموزنده باشد این کتابی که نام بردم ؛ کتاب صراط اندیشه و عمل در آخر آن، بنده نام بسیاری از بزرگان و زندگینامه آنها را آوردم که آقای طلبه بیا و ببین زندگی علما را و الگو قرار بده.

دائم نگو من طلبه فقیرم ؛ زندگی شیخ انصاری و آخوند خراسانی این بوده . در آن جا مواردی هست و میتوانید مراجعه کنید ببینید.

موضوعی که اعلان کردند: منزلت و رسالت روحانیت معاصر است . مشخص است که این موضوع مرکب از دو بخش است؛ جایگاه و رسالت البته کلمه روحانیت معاصر هم نکته دارد و یعنی نگاهی عصری و معاصر می‌خواهیم به مسئولیت‌مان داشته باشیم. فرصت کم است و گفتم راجع به منزلت روحانیت که اینجا یعنی طلبه صحبت کنم.

منزلت عجیبی است؛ شما جلد دوم بحار را نگاه کنید؛ جلد دوم بحار بخشی از آن راجع به منزلت روحانیت است و یک روایت آن همان است که صدر مطلبم بیان کنم .

پیامبری که هیچ گزافه گوئی نمی کند این روایت را در منزلت عالم بیان فرموده است. هر چه است وحی است و صحبتش هم وحی است پیامبر می فرماید مردم به شما خبر بدهم از جمعیتی که نه پیغمبرند و نه شهیدند ولی مقامشان از انبیا و از شهدا هم بالاتر است. و لذا انبیا و شهدا غبطه آن ها را می خورند.

غبطه یعنی چرا من ندارم و ایکاش داشتم و فرقی هم با حسادت در این است که در حسادت تمایل نداریم که طرف مقابل آن صفت خوب را داشته باشد یا موقعیت و مقام خوب را .

اگر بخواهیم تحلیل کنیم چگونه بتوانیم؟ اقوامی که این صفت را دارند؟

این جا علامه طباطبائی یک حاشیه بر بحار دارد چند جلدی که حاشیه می زند جریانات درون حوزه و شاید هم اشتغالاتی که داشته مانع از ادامه کار میشود؛ ایشان را منصرف میکند ولی چند جلد بحار را حاشیه می زند در آن جا جناب آقای طباطبائی می گوید این که نمی شود کسی بالاتر از انبیا باشد! و از شهدا ایشان ایراد نمی گیرد چون روایاتی هست. ایشان در تفسیر یغبطهم را دوست داشتن و خوش آمدن معنا می کند و من هم با همه ارادتی که به ایشان دارم این توجیه و این سوبسید صحیح نیست یعنی از نظر ادبی غلط است.

نیاز به سوبسید دادن نیست ما چرا دستکاری کنیم در روایت؟ ولی این طور معنا کنیم که عالم دین خاتم، از برخی از انبیاء برتر است البته از انبیای اولوا العزم عیسی ، موسی ، ابراهیم، پیامبر که نه اما از برخی انبیا بعید نیست بالاتر باشند. البته حیثی است یعنی از حیث این که به انبیاء وحی می شده البته که آنها بالاترند اما هیچ عالمی به او وحی نمی شود.

چنان که انبیا از مقام عصمت برخوردارند ممکن است عالمان از مقام عصمت برخوردار نباشند که معمولاً هم نیستند.

اما نابرخوردار بودن از وحی و نابرخوردار بودن از مقام عصمت، توجیهی ندارد که این ها بالاتر نباشند چون به هر حال این ها مبلغ دین اکمل اند.

و بعد پیامبر در ادامه حدیث می فرماید چون این ها تبلیغ میکنند ؛ علما ، طلاب، شما مبلغان دین اکمل هستید ؛ مبلغان دین خاتم . دین جامع، دین جهانی، دین جاودان، اگر این طور باشد محمل دارد و لذا ممکن است شعاع نور تبلیغ شما از شعاع نور پیامبر عظیم الشان بیشتر باشد؛ روز قیامت هم انشاالله محشور می شوید به اندازه همین نوری که در دنیا داشتیم محشور می شویم . شعاع نوری یک عالم ممکن است به هزاران کیلومتر برسد چون در دنیا خدماتش هزاران کیلومتر شعاع داشته و یک عالم ممکن است متعلق به یک شهر یا یک بخش و یک روستا باشد بسته به کاری که انجام میدهد، منزلت او متغیر است. حالا روایاتی که تا حالا شنیدید و برای مردم گفتید قابل تأمل است یا حدیثی که می گوید وقتی طلبه راه می رود فرشتگان بالهای خود را باز می کنند، و می گویند پا روی بال ما بگذار و نه روی زمین.

البته این یک بیان سمبلیک است و یک تشبیه معقول به محسوس است و از این دست روایات است و در قرآن هم داریم

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

این یک بیان سمبلیک است ؛ تشبیه معقول به محسوس و از این قبیل .

این معنایش این است که طلبه و طالب علم مقامش نسبت به فرشته مقام برتر است و باید این پای طلبه هست که باید روی بال فرشته قرار گیرد. یا خود قرآن که درجات عالم را بیان می کند و این جایگاه عالم است در تراث دینی ما و من این را

از روی تعصب نمی گویم و فرض نمیکنم اسلام و پیامبر و ... و خود را یک ماتریالیست و یا یک دهری فرض می کنیم این روایاتی که ما در مقام عالم داریم هیچ جا نداریم.

اهمیتی که اسلام به پژوهش و عالم و دانشمند داده کدام مکتب داده است؟

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ؛

قسم به قلم و آن چه می نگارند.

اگر ما یسطرون موصول حرفی باشد یعنی نوشتن

اگر موصول اسمی باشد یعنی نوشتار و نوشته

قسم به نوشتن یا قسم به نوشته

شما ممکن است بگویید این آیه باطن دارد اشکال ندارد به هر حال ظاهری هم دارد.

من در جمع اساتید دانشگاه بیرجند که اساتید همه رشته ها بودند گفتم کدام مکتبی این اهمیت را به علم و کدام مصلح اجتماعی و کدام پیامبر قبل نبی مکرم و کدام اندیشمند این اهمیت را به عالم داده است؟

و این مقام متعلق به شماسست. منزلت روحانیت این است و ایکاش ما این را باور کنیم امروز ما با یک بحران به نام بحران احساس هویت مواجهیم و طلبه و استاد و روحانی منبری ما با این جریان رو برویند . با بحران بی انگیزی ؛ میگوید ثم ماذا بعد هذا؟! دستم خالی است و نافع نیستم ... اگر طلبه منزلت خود را ببینید و رسالت خودش را هم ببیند آیا بازهم با بحران هویت مواجه می شود؟

آیا بازهم نسبت به درس خواندن بی اعتقاد میشود؟

من نمخواهم مبالغه کنم اما بسیاری از طلبه ها قرة العین امام زمان اند.

خیلی بحث است شما این جا دارید مباحثه و مطالعه می کنید چه بسا امام زمان که شما را رؤیت میکنند برای شما صدقه بدهند این ها را همه خواندیم و من هم امر فوق العاده ای نیست.

امام زمان پدری هستند که به هر حال از حال فرزندان خود آگاهند و اعمال ما نزد امام می رود یک پدر مهربان و آشنا وقتی بداند که یکی از فرزندان دارد از تراش جلدش دفاع میکند، قطعا برای او دعا میکند و برای او صدقه میدهد ما داشتیم پدرانی که هر روز برای موفقیت فرزندان دعا کردند و تا زنده بودند نماز خواندند و صدقه دادند.

می بیند که فرزند او دارد کار می کند خوشش آمده و صدقه داده و دعا کرده و پدر است آگاهی دارد و فرزندان را خوب می شناسد و سرباز را از بار تشخیص می دهد و برای سربازانش دعا میکند و البته برای سربازانش هم دعا میکند که به راه بیایند. سوال این است آیا طلبه این چیزها را بداند آیا بازهم سرد می شود نسبت به ادامه مسیر؟!

من شهرهای بسیاری رفتم ؛ ازمذبران برنامه ها می پرسم من برای طلبه ها چه بیان کنم بی استثنا گفته اند راجع به انگیزه صحبت کنید و مسائل انگیزشی را بیان کنید بخشی از این انگیزه مربوط می شود به جهل نسبت به منزلت. البته جهل به رسالت هم هست این ها را باید به طلبه ها هم بگویید .

خدا رحمت کند دکتر احمد احمدی نهادی ایشان به خود بنده گفت من به ایشان گفتم شنیدم که شما کنار منزل علامه طباطبائی می رفتید و می گشتید و نگاه به دیوار خانه ایشان می کردید و دور این خانه می گشتید؟ ایشان تایید کرد و گفت از آن

جا که در احادیث هم هست که نگاه به دیوار منزل عالم هم عبادت است ما این کار را می کردیم. و واقعا علامه طباطبائی قابل عشق و رزی بود به جهت سلوکی که داشت و منزلت علمی .

این که خانه عالم نگاه به آن عبادت است این را مردم و حتی خود ما هم باید بدانیم و باعث ایجاد انگیزه شود.

طلبه می گوید من درس بخوانم که چه شود؟ این بیان از بی انگیزگی است.

این جمله ثم ماذا بعد هذا یعنی چه؟ این را کنار بگذاریم؛ چه عالمان شیعه که در زندان بودند و باز به درس و تحصیل اشتغال داشتند و یا حتی خود عالمان اهل تسنن.

منزلت را وقتی انسان بداند خوب کار می کند و برسیم به بخش دوم که بحث رسالت است یعنی بحث اول منزلت است و بحث دوم رسالت است.

به موازات منزلت ، رسالت هم بالا می رود. منزلت ، رسالت می آورد.

رسالت یک عالم سترگ بزرگ مطرح مرجع با رسالت یک عالم در سطح پایین تفاوت میکند کما این که رسالت یک عالم با غیر عالم هم تفاوت میکند.

مثل من و شما و مردم مثل هواپیما و دوجرخه هست از لحاظ مسئولیت ؛ هواپیما نفعش نامحدود است و ضررش هم نامحدود است .

اما دوجرخه از هر دو جهت محدود است با دوجرخه کسی زمین بخورد نهایتا بلند می شود و لباس خود را تکانی می دهد و دوباره به مسیر ادامه میدهد اما اگر مردم با هواپیما سقوط کردند امکان نجات دارند؟!!!

إذا فسد العالم فسد العالم

البته از آن جهت هم هست .

و قَالَ (علی علیه السلام): مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا، حَتَّى أَخَذَ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمُوا.

خداوند، نادان را به آموختن موظف نساخت، مگر آن گاه، که دانایان را موظف ساخت که نادانان را تعلیم دهند.

روز قیامت فلان شخص را از همین شهر قائن می آورند، هل لا عملت؛ چرا عمل نکردی ؟ می گوید نمی دانستم. امام علیه السلام می فرماید : به او می گویند : هل لا علمت ؟ چرا یاد نگرفتی؟!

به نظر شما این بنده خدا ساکت می ماند م یگوید خدای بزرگوار علما به ما نگفتند . البته بعضا هم دروغ می گویند چون در قیامت دروغ بسیار گفته می شود. قسم دروغ هم می خورند.

می گویند اهل کجایی ؟ میگوید قائن و متعلق به چه دورانی ؟ می گوید : فلان. اول هم از آن عالمان بزرگ آن شهر را می آورند. و به او محاجه می کنند که آیا شما گفتی یا نگفتی ؟ رسالت تبیین. این رسالت را به دوش من و شما گذاشته اند.

یادتان هست در مکاسب عنوان کتب ضلال را داشتیم ، بحث این است که ما امروزه کتب ضلال نداریم امواج ضلال داریم.

ما اصوات ضلال داریم ما امروز با تراث سوزی سرخ مواجه نیستیم با تراث سوزی سفید و مدرن مواجهیم و این برای شما مسئولیت ایجاد می کند.

امروز ما با تراث سوزی نرم و سفید مواجهیم یک شبهه می اندازد و این شبهه پخش می شود و جوان من و شما را بی اعتنا میکند نسبت به همه چیز؛ جلسات مناظره بنده با دکتر سروش را ببینید این بسیاری از مسائل را روشن میکند.

طلبه ای که الان خود را آماده میکند برای تمام شبهات و مواجه شدن با این ها و رسالت تبیین و دفع شبهه خود را آماده کند این طور اگر شد امام تعبیر قره العین را به کار می برد. فکر می کنید امام فقط به شیخ مفید می گویند قره العین و به من و شما نمی گویند؟

طلبه باید ده سال اول را مثل یک شیرخوار که خوب شیر میخورد خوب درس بخواند این ده سال ده سال شیرخوارگی است که اگر کسی خوب شیر بخورد خوب رشد میکند و عمری سلامتی تضمین شده را دارد. و خوب هم کار می کند و میگوییم او شیر خوب خورده است اما کسی که این دوران را خوب شیرنخورد تا عمر دارد مریض است و طلبه ای هم که همین اول کار خوب درس نخواند، نمیتواند قوی باشد. اگر طلبه دوران سطح را خوب درس بخواند قدرت ارتباط با تراث پیدا میکند اگر منبری شود ضعیف است اگر استاد حوزه باشد ضعیف است اگر استاد دانشگاه شود، ضعیف است مورد سوال قرار گیرد ضعیف است چون شیر خوب نخورده است. دوران شیرخوارگی است باید خوب کار کند

اگر آقا بپذیرند ما سربازیم باید ادب سربازی را داشته باشیم من پیشنهادی دارم

می خواهم مطلبی را به شما بگویم و هدیه دهم:

مطلبی را میخواهم بیان کنم و آن این که من و شما مثل این لامپ هستیم و باید با آن مولد نور در ارتباط باشیم. تا روشنائی داشته باشیم و الا خاموشیم مولد نور ما امام زمان ما است. البته خود امام زمان هم نور خود را از خداوند می گیرد ما یک نور بیشتر نداریم.

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاةٍ الرُّجَاةُ كَأَنَّهَُا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خدا نور آسمان ها و زمین است؛ وصف نورش مانند چراغدانی است که در آن، چراغ پر فروغی است، و آن چراغ در میان قندیل بلورینی است، که آن قندیل بلورین گوی ستاره تابانی است، [و آن چراغ] از [روغن] درخت زیتونی پربرکت که نه شرقی است و نه غربی افروخته می شود، [و] روغن آن [از پاکی و صافی] نزدیک است روشنی بدهد گرچه آتشی به آن نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری؛ خدا هر کس را بخواهد به سوی نور خود هدایت می کند، و خدا برای مردم مثل ها می زند [تا حقایق را بفهمند] و خدا به همه چیز داناست.

ذیل آیه ذیل امام می فرمایند نور خدا به امام و از امام به عالم و از عالم به مردم می رسد.

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ

و میان مردم سبا و شهرهایی که در آن ها برکت نهادیم، آبادی های به هم پیوسته و نمایان قرار دادیم، و سیر و سفر را در [میان] آنان متناسب و به اندازه مقرر داشتیم، [و گفتیم:] شب ها و روزها با امنیت در آنها مسافرت کنید.

لذا پیشنهاد میدهم که با امام زمان ارتباط داشته باشیم و ارتباط ما با امام زمان دو رکعت نمازی است که برای امام می خوانیم و سعی کنیم روزانه دو رکعت نماز برای سلامتی امام بخوانیم. وقتی ما برای امام دو رکعت نماز می خوانیم طبعاً امام هم به یاد همان طلبه خواهند بود و دعا خواهند کرد.